

عنوان: مشرعیت حقوقی تحریم اقتصادی

طاهره نبی زاده کفشهگر، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه حکیم سبزواری

حسن نجفی شم آبادی، استادیار دانشگاه حکیم سبزواری (Najafiasl@gmail.com)

چکیده فارسی

تحريم اقتصادی محدود نمودن مبادله کالا ، خدمت یا سرمایه بین یک طرف (تحريم کننده) و تحریم شونده، به منظور تنبیه یا تغییر رفتار یک بازیگر در روابط بین المللی است. تحریم اقتصادی می تواند بین المللی یا چند جانبه و حتی یک جانبه باشد. هدف تحریم بیشتر سیاسی (تغییر نظام سیاسی یا تغییر رفتار او) است تا اقتصادی یا اجتماعی.

تحريم اقتصادی وضع شده توسط نهاد های بین المللی به خصوص نهاد های لازم للإتباع بین المللی عموماً مشروع تلقی می شود. با وجود این، بایستی این تحریم ها ضروری، انسانی و متناسب باشد. هرگاه تحریم های وضع شده، علماً موجب محرومیت اتباع کشور از حقوق اساسی بشر همانند؛ حق فعالیت اقتصادی و حق توسعه گردد؛ اعمال چنین تحریمی نامشروع خواهد بود. از منظر حقوق داخلی کشور تحریم کننده بدیهی است که تحریم عملی مشروع تلقی خواهد شد و بر عکس از منظر حقوق داخلی کشور تحریم شونده، تحریم نامشروع بوده والزم آور تلقی نشده و به عنوان دفاع قابل پذیرش نخواهد بود.

از منظر حقوق داخلی کشور ثالث هم، در صورتی که منشأه تحریم یک جانبه باشد به هیچ وجه مشروعیت نخواهد داشت؛ اما اگر تحریم بین المللی یا چند جانبه باشد و کشور ثالث مذکور با آن مخالفت نموده باشد؛ در مشروعیت والزم آور بودن چنین تحریمی از منظر حقوق داخلی کشور ثالث تردید وجود دارد. حتی اگر علی الاصول چنین تصمیماتی الزام آور بوده باشد. تحریم از هر نوعی که باشد بر حقوق قراردادی قبل از وضع تحریم تأثیری نخواهد داشت و وجود چنین تحریمی دفاع محسوب نمی شود.

کلید واژه: تحریم اقتصادی ، حقوق بشر ، حقوق بین الملل ، مشروعیت ، قرارداد

Title: Legal legitimacy of economic sanctions

Tahereh Nabizadeh Kafshgar, Student of M.A. degree in Private law Hakim
Sabzevari University

Hasan Najafi Shamabadi , Assistant Professor Hakim Sabzevari University
(Najafiasl@gmail.com)

Abstract

Sanction can be defined as the limitation on transaction of goods ,services or investment between states in order to punish or alter some conduct of a state in international relations .the sanction can be universal (international), multinational or even bilateral . the aim of any sanction is political more than economic or social .

if the sanction be international it is supposed that is binding on all; but it has to be necessary ,humanity and appropriate one. if a sanction deprives innocent citizens from their basic human rights ,like right to do economic activity or right to development, enforcing such sanctions will be illegal .from municipal law' point of view of state that impose the sanction it will be supposed legal. from sanctioned state municipal law' point of view it will be supposed illegal and non enforceable then will not be good defense.

From third party state municipal law's point of view bilateral sanction can not be binding. more over international or multinational sanctions legality and enforceability will be doubtful if that state has disagreed with it even if that sanction be binding basically .no sanction can impact on contractual rights pre enacting of that sanction and never can be a good defense .

Key words: economic sanction , Human rights , international law, Legality ,contract

برای به اطاعت و اداشتن دیگران یا حداقل تأثیر گذاری بر رفتار دیگران در روابط بین المللی، ضرورتاً جنگ لازم نیست. از دیر باز تا کنون، روش های متنوعی در مبارزه برای نیل به این هدف وجود داشته است. تحریم اقتصادی یکی از معمول ترین روش های پیش از جنگ، برای تغییر رفتار یک بازیگر بین المللی است. تحریم اقتصادی از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. از جمله: از منظر دانش حقوق، اینکه آیا تحریم اقتصادی با قواعد حقوق بین المللی و مبانی حقوق بشر منطبق است یا خیر و اینکه در چه صورتی تحریم اقتصادی از منظر حقوق مشروع خواهد بود؟ پرسش هایی بنیادی است. در این مقاله کوشش شده است از دیدگاه حقوقی (فراملی و ملی) پدیده تحریم اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

تعريف تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی را می‌توان از نظر اقتصادی و از نظر حقوقی تعریف نمود. از منظر اقتصاد، تحریم اقتصادی به معنای مجازات یا دست کاری در روابط و همکاری‌های اقتصادی به منظور تأمین اهداف سیاسی می‌باشد. (یاوری ۱۳) اما از منظر حقوقی برخی تحریم اقتصادی را مجموعه اقداماتی که یک یا چند بازیگر بین المللی علیه یک یا چند بازیگر دیگر در جهت تنبیه طرف مقابل از طریق محروم کردن آن از اموری که برای آن ارزشمند است یا اجراء طرف به رعایت برخی ارزش‌ها که نسبت به طرف مقابل مهم است یا هر دو، دانسته‌اند. (ظریف، میرزا‌یی، ۱۳۷۶)

اما تعریفی که به نظر کامل‌تر می‌رسد تعریفی است که تحریم اقتصادی را اقدامی غیر نظامی که بر انتقال کالا، خدمات و سرمایه به یک کشور خاص، تاثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از اعمال آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با هدف‌های دولت تحریم کننده و یا بیان ناخرسنی تحریم کننده از اقدام‌ها و رفتار‌های آن کشور می‌باشد بیان نموده است. (بهروزی فر، ۱۳۸۳)

چنانکه ملاحظه می‌شود در تعریف مذکور، بر غیر نظامی بودن اقدام کشور تحریم کننده جهت خارج نمودن درگیری‌های مسلحانه از شمال تعريف، تأکید شده است. تعريف مذکور، متضمن هدف کشور تحریم کننده که همانا تغییر رفتار تحریم شونده است نیز می‌باشد. در واقع به طور خلاصه، تحریم اقتصادی، عبارت است از قطع یا محدود نمودن مبادلات کالا، خدمت و سرمایه بین دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده به منظور تأثیر بر رفتار تحریم شونده است.

أنواع تحریم اقتصادی

تحریم اقتصادی را می‌توان از چند جهت تقسیم نمود. از جمله تقسیم تحریم اقتصادی بر حسب منشأ وضع تحریم و موضوع آن است.

۱- انواع تحریم بر حسب منشأ وضع تحریم

تحریم‌های اقتصادی از منظر منشأ یا مرجع تصویب تحریم به انواع زیر قابل تقسیم است :

۱- تحریم‌های عام بین المللی: در این نوع از تحریم‌ها، مرجع تصویب تحریم یک مرجع کاملاً فرامی و بین المللی است به نحوی که تحریم‌های وضع شده برای همه اعضاء جامعه بین المللی - ونظراً حتی کشور تحریم شونده - لازم الإتباع است. مثلاً تحریم‌های وضع شده توسط شواری امنیت سازمان ملل متحد از این نوع‌اند.

۲- وضع تحریم بر مبنای تعداد کشورهای شرکت کننده که به سه نوع تقسیم می‌شود: الف - یک جانبی (Unilateral) ب - چندجانبه (Multilateral) ج - جامع یا فراگیر (Comprehensive).

تحریم یک جانبی به تحریمی گفته می‌شود که فقط یک کشور اقدام به وضع تحریم در مقابل یک کشور دیگر نماید. در تحریم چندجانبه گروهی از کشورها (مانند اتحادیه اروپا) مبادرت به وضع تحریم می‌نمایند. در این فرض، اگر همه کشورها از کشور تحریم کننده پیروی نمایند تحریم به صورت جامع خواهد بود؛ به گونه‌ای که همه کشورها درگیر تحریم خواهند شد. (یاوری، محسنی ۱۳۸۹)

۲- بر حسب موضوع

ممکن است موضوع تحریم اقتصادی (وضع مالیات بر صادرات کشور تحریم‌شونده)، سهمیه وارداتی (اعمال محدودیت در زمینه مقدار واردات از کشور تحریم‌شونده)، ممنوعیت روابط تجاری و ایجاد موانع غیر تعرفه‌ای بر روی واردات باشد.

همچنین تحریم اقتصادی می‌تواند بر روی صادرات انجام شود که اصطلاحاً به آن اعمال تحریم از طریق توکیف گفته می‌شود. در این نوع، تحریم مانع صادر شدن کالا به داخل کشور هدف می‌شود و یکی از ابزارهای رایج برای تنبیه کشور تحریم شونده می‌باشد. نوع دیگر تحریم که مانع ورود یک یا چند کالا از کشور تحریم‌شونده می‌شود که اصطلاحاً به آن بایکوت می‌گویند. اثر این نوع تحریم کاهش تقاضا نسبت به کالاهای مهم صادراتی کشور تحریم شونده می‌شود که در نهایت درآمد ارزی را کاهش داده و قدرت مالی کشور را برای تأمین کالاهای اساسی کاهش می‌دهد. (یاوری، محسنی ۱۳۸۹)

اهداف تحریم اقتصادی

همزمان با اعمال تحریم‌ها، اهدافی نیز برای آن تعریف می‌شوند. باید دانست که عمدۀ اهداف تحریم اقتصادی، سیاسی بوده و اهداف اقتصادی و غیره جنبه فرعی دارد. در واقع انگیزه‌های سیاسی، مهمترین محرك کشورها در اعمال تحریم می‌باشد. حتی در تحریم‌هایی که از سوی سازمان ملل متحد وضع شده نیز اهداف سیاسی به درستی قابل مشاهده است. (ظریف و میرزابی، ۱۳۷۶)

به طور معمول دو هدف سیاسی برای تحریم اقتصادی وجود دارد: یک هدف، تغییر رژیم سیاسی حاکم از طریق تنبیه و مجازات کردن کشور هدف است که در راستای تحقق آن، آسیب سنگینی به منافع کشور هدف وارد می‌شود. چنانچه مقصود از تنبیه ابزاری برای رسیدن به هدف تحریم اعمال شده، باشد به عقلانیت تحریم تعریف می‌شود. عقلانیت تحریم بر دو شقّ است: یک مورد آن به کنترل کننده مرسوم است که به منظور بی ثبات سازی اعمال می‌شود. (زهانی، ۱۳۸۷) هدف از بی ثبات سازی، تغییر رژیم سیاسی حاکم به دلیل تضادی که در منافع استراتژیک میان کشور تحریم کننده و کشور تحریم شونده وجود دارد؛ می‌باشد. غایت این تحریم، تغییر رژیم کشور هدف است. (یاوری، محسنی، ۱۳۸۹)

دیگری اجبار کننده نام دارد که به طور آشکارا اعمال می‌شود و هدف از اعمال آن، تغییر رفتار به دلایل مربوط به روابط خارجی کشور مورد تحریم در منش و رفتار خود است. (زهانی، ۱۳۸۷) از همین جا دومین هدف سیاسی تحریم اقتصادی مشخص می‌شود که آن صرفاً تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور تحریم شونده است که نسبت به هدف اول حالت خفیف تری دارد. مطابق نظریه‌ای که میان جامعه شناسان و فلاسفه وجود دارد، در عنصر تنبیه، بایستی سلسله مراتبی بین دولتها وجود داشته باشد تا یک دولت بتواند در عرصه‌ی بین‌المللی علیه دولت دیگر، تحریم وضع نماید. (همان)

گاهی اوقات هدف اعمال تحریم، جلوگیری کشور هدف، از کسب موقعیت هژمونی در منطقه است. به عنوان مثال؛ گفته می‌شود آمریکا از طریق اعمال تحریم بر ایران، تلاش می‌کند تا از تسلط ایران بر خاورمیانه جلوگیری کند و نگذارد ایران قدرت برتر منطقه محسوب شود. (سیمبر، ۱۳۸۹)

البته به عقیده برخی، هدف از اعمال تحریم، هیچ یک از موارد فوق نبوده؛ بلکه به منظور مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف و جلب توجه دیگر کشورها به سیاست خارجی کشور تحریم کننده می‌باشد. آنها در این خصوص بعضی از تحریم‌های وضع شده علیه ایران، توسط آمریکا را را نام می‌برند. (بهروزی فر، ۱۳۸۳)

همچنین برخی نیز معتقدند اصلی ترین هدف تحریم از سوی کشورها به انتظارات آتی دولتهای تحریم کننده و دیدگاههای بین‌المللی که به ساختار کلی بین‌الملل یا بخشی از آن ساختار بین‌المللی مرتبط است؛ باز می‌گردد. (یاوری، ۱۳۸۹)

با این حال عموماً هدف سیاسی از اعمال تحریم‌ها، تغییر رفتار سیاسی کشور هدف و یا در شدیدترین حالت تغییر رژیم سیاسی حاکم است.

تحریم اقتصادی از منظر حقوق

پرسشی که مطرح می شود آن است که تحریم اقتصادی از منظر حقوقی چه وضعیتی دارد. آیا از نظر حقوقی، تحریم اقتصادی امری مقبول و مجاز است یا رفتاری نابهنجار و بر خلاف قواعد حقوقی است؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است که تحریم اقتصادی را از منظر حقوق بین الملل، حقوق بشر و حقوق داخلی مورد بررسی قرار دهیم.

۱- از منظر حقوق بین الملل

در فصل هفتم منشور ملل متحده، اعمال تحریم‌ها به عنوان یکی از آخرین ابزار، جهت عدم بکارگیری از اقدامات قهر آمیز - که در ماده ۴۲ آن پیش‌بینی شده - در نظر گرفته شده است. (منشور ملل متحده) بنابراین تحریم اقتصادی، به مثابه وسیله‌ی اجرای مقررات بین المللی و حفظ امنیت و بین المللی از منظر حقوق بین الملل مشروع و قانونی است. علی‌رغم این مطلب، بنا بر نظر برخی، این مشروعيت غیر از مواردی است که هدف از اعمال تحریم، ایجاد سلطه و فشار بر دولتها و یا مغایر با مناسبات و تعهدات قراردادی کشورهاست. (فرخ سیری، ۱۳۸۷) لذا در هر موردی که تحریم اقتصادی منجر به نقض تعهدات عهده‌نامه‌ای خاص یا یک اصل حقوق بین المللی دوستانه گردد؛ غیر قانونی است.

به این نظر انتقاد وارد است، زیرا تدبیر تحریمی پیش‌بینی شده در منشور ملل متحده، بر تعهدات قراردادی یا معاهداتی کشور ها نیز حاکم است. به نظر می‌رسد در این صورت حتی اگر اجرای تحریم مبتنی بر منشور ملل متحده، بر خلاف قرارداد بین المللی کشور یا عهد نامه بوده باشد؛ به معنای نقض تعهد نبوده و پیمان شکنی محسوب نخواهد شد. با این وجود، از آنجا که تمامی دولتها در چارچوب نظام قواعد حقوقی بین المللی فعالیت می‌نمایند؛ در وضع تحریمهای باید ملتزم به اصول حقوق بین الملل عام باشند.^۱ این اصول از جمله شامل: اصل انسانی بودن، اصل ضرورت و اصل تناسب تحریم‌ها می‌باشد. (همان)

مطابق اصل انسانی بودن، در صورتی که مشاهده شود وضع و ادامه تحریم، باعث تجدید و تضییق مردمان کشور مورد تحریم، از حیث برخورداری از مصاديق برشمرده شده در ماده ۲ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ گردد؛ دیگر نمی‌توان عنوان مشروعيت بر آن تحریم نهاد. این موارد عبارت است از: آسایش فردی، بهداشت، محل مناسب زندگی، مواد خوراکی مناسب و مغذی، دسترسی به آب آشامیدنی کافی، پوشان، مراقبت پزشکی، حق انجام مناسک مذهبی و فرصت انجام دادن فعالیت فکری، آموزشی، تفریحی، ورزش و بازی. (همان)

بر مبنای اصل ضرورت، اقدامات کشورها در اعمال تحریم باید برای اهدافی که به منظور آن اقدام به وضع تحریم می‌نمایند ضروری باشد. بنابراین بین این اصل و مؤثر بودن تحریم اعمال شده رابطه‌ی مستقیمی وجود خواهد داشت. در این زمینه برخی معتقدند در هر موردی اگر وضع تحریم در رفتار تحریم شونده به اندازه‌ای تأثیر گذار بوده که منجر به تغییر گردد می‌توان گفت اعمال تحریم ضرورت داشته است. (همان)

اصل تناسب به حالتی اشاره می‌کند که باید بین رفتار مختلفانه یک کشور و وضع تحریم تناسب وجود داشته باشد. بنابراین چنانچه زیان وارده به حقوق بشر، ناشی از رفتار مختلفانه، کمتر از وضع تحریم باشد؛ یعنی اعمال تحریم بیش از رفتار مختلفانه یک کشور قواعد حقوق بین الملل و حقوق بشری را نقض نماید؛ گفته می‌شود که بین رفتار مختلفانه و تحریم وضع شده تناسب وجود ندارد. (همان)

بر اساس مقررات حقوق بشری مندرج در منشور سازمان ملل متحده (۱۹۴۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و معاهدات بین المللی مانند؛ قراردادهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاق شده به آن - که بر

^۱- اصول حقوق بین الملل عام به عنوان اصول کلی حقوقی مطابق ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری جزء منابع تكمیلی و فرعی محسوب می‌شود که دیوان در خصوص موضوعی که منابع اصلی یعنی قانون و معاهدات نباشد و یا عرف شناخته شده ای وجود نداشته باشد با استناد به آنها اقدام به صدور رأی می‌نماید.

مبناًی احترام به حیثیّت و شخصیّت انسانی تدوین شده اند - و سایر اسنادی که اصول حقوق بین المللی انسان دوستانه را پذیرفته اند؛ در صورتی که تحریم‌های اقتصادی موجب رنج و مشقت مردم کشور مورد تحریم گردند، تحریم وضع شده از منظر حقوق بین الملل مشروع نیست. (مافي، ۱۳۸۵) حتی اگر مرجع تحریم، کشور یا دولت خاص باشد یا اجمع اسما ملل متحده. (ممتأر، ۱۳۸۷)

همچنین به موجب آنچه که در نشست دوره ای کمیته‌ی ناظر بر اجرای ميثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، آمده است؛ «افراد مقیم یک کشور را نباید به این دلیل که رهبرانشان قواعد مربوط به صلح و امنیت بین المللی را نقض نموده اند از حقوق اساسی، اجتماعی و فرهنگی خود محروم شوند». (کریم زاده، ۱۳۸۶)

گاهی نیز اعمال تحریم موجب نقض غرض می‌شود؛ مثلاً کشوری اقداماتی برخلاف حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه می‌نماید و هدف از اعمال تحریم نیز رفع همین اقدامات نقض حقوق بشری است. حال آنکه اعمال تحریم خود باعث محرومیت مردمان کشور هدف از حقوق بشر می‌شود که با اهداف قواعد حقوق بین الملل دوستانه آشکارا در تعارض است. برای مثال، آثار فاجعه بار انسانی ناشی از تحریم‌های اقتصادی عراق در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، و تحریم‌های یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۲ و هائیتی در سال ۱۹۹۴، از نگاه سازمان ملل دور نمانده است. لذا به تعبیر برخی، تحریم اقتصادی به عنوان «سلاح دو دم» و «اسلحة گرسنگی» مصطلح گردید. (بروکشلی، ۱۳۷۵ و ممتاز، ۱۳۸۷) این امر به معنای نقض غرض فلسفه ای وجودی شورای امنیت - که همانا برقراری صلح و امنیت و حفظ حقوق بشری است - تلقی خواهد شد.

به همین دلیل برخی در انتقاد از تحریم‌های شورای امنیت اعلام داشته اند؛ بی توجهی شورای امنیت به آثار مخرب ناشی از اعمال تحریم‌ها بر وضع معیشت مردم و نقض واضح حقوق بشر، شورای امنیت را متابه‌ی ابزاری در جهت تحقق اهداف سیاسی کشورهای دارای قدرت نظامی تبدیل نموده است. نتیجه این امر، بروز رفتارهای دوگانه و متضاد از این نهاد بین المللی است به گونه‌ای که نسبت به مشروعیت و تحریم‌های اعمال شده تردید به وجود آمده است. (زهرانی، ۱۳۸۷)

۲- از منظر حقوق بشر دوستانه

مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر به موضوع حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده شده است که در اعلامیه‌های قبل از اعلامیه جهانی سابقه نداشته است. در ماده ۲۲ آن مقرر شده: «هرکسی حق دارد از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که برای کرامت شخصیت او ضروری است؛ برخوردار گردد». همچنین مواد ۲۳ تا ۲۷ به پاره‌ایی از حقوق انسانی دیگر مانند؛ حق داشتن شغل ، حق انتخاب آزاد شغل ، آزادی اتحادیه ، حق برخورداری از تأمین اجتماعی ، دفاع از سلامت ، حقوق مادران و کودکان ، حق تفریحات ، حق تعلیم و تربیت و حق حمایت از نوآوری‌های ادبی و هنری می‌پردازد.

همچنین بر اساس موازین حقوق بشری، هر کس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوارک، مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. (ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر، ۱۹۴۸)

همچنین براساس برخی متون دیگر، هیچ ملتی را نمی‌توان از مسائل معاش خود محروم نمود. (ميثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶)

ایضاً مطابق قطعنامه ۲۱۰ سال ۱۹۹۱، مجمع عمومی سازمان ملل این سازمان از کشورهای صنعتی و توسعه یافته خواسته از قدرت خود، برای فشار اقتصادی به منظور اهداف سیاسی کشورها استفاده نکنند. همچنین در قطعنامه ۱۵۲ کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آئکتاد) با عنوان «عدم قبول اقدامات قهر آمیز» از کشورها خواسته شده تا از اقدامات قهر آمیز اقتصادی علیه یکدیگر بپرهیزنند و به منظور اهداف سیاسی از اعمال محدودیت‌های تجاری ، مجازات و محاصره اقتصادی یکدیگر اجتناب نمایند. (فرخ سیری، ۱۳۸۷)

از نظر مخالفت تحریم‌ها با عهدنامه‌های بین‌المللی نیز باید گفت بر اساس ماده ۵۴ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های زنو، گرسنگی دادن غیر نظامیان به عنوان یک حربه‌ی جنگی ممنوع می‌باشد. باید این نکته را یادآور شد که مفاد انسان‌دوستانه مذکور در پروتکل منحصرأ ناظر به زمان جنگ نبوده و کشورها با عضویت در کنوانسیون زنو می‌پذیرند که در هر زمانی مقررات آن را اجرا نمایند. (طباطبایی، ۱۳۷۹)

در مجموع به نظر می‌رسد اعمال تحریم‌های اقتصادی قواعدی از حقوق بین‌الملل بشر را نقض می‌کند. بعضی از آنها عبارتند:

- حق فعالیت اقتصادی: در مواد هفت، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، پانزده و هجده میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوقی از قبیل؛ حق برخورداری از شرایط عادلانه و مناسب کار، حق برخورداری از زندگی مناسب از جمله غذا، پوشش و مسکن کافی، بهداشت، آموزش و پرورش، حق برخورداری از پیشرفت علوم و فنون و حق برخورداری از مزایای دستاوردهای فکری و هنری بیان شده است. (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، ۱۹۶۶)

- حق توسعه: در اعلامیه وین و برنامه عمل ۲۵ زوئن ۱۹۹۳، حق توسعه را حقی جهانی و جدائی ناپذیر و جزء جدا نشدنی حقوق اساسی بشر توصیف نموده است. همین اعلامیه حق توسعه این اصل را حق انسانی جدائی ناپذیر می‌داند که به موجب آن، تمام مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن کلیه حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی بطور کامل تحقق می‌یابد؛ مشارکت و همکاری کرده و از آن بهره مند شوند.

- حق تعیین سرنوشت: توسعه روابط دوستانه در روابط بین‌الملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی از جمله مقاصد سازمان ملل متعدد است که در بند دو ماده یک منشور بیان شده است. (منشور سازمان ملل متحده، ۱۳۸۵) حق خودمختاری یا تعیین سرنوشت - فارغ از تفاوت‌های جزئی آن - در نظام حقوق بین‌الملل بشر به عنوان اصلی اولیه شناخته شده است که بدون احترام به آن صلح پایدار جهانی امکان پذیر نخواهد بود. برای نمونه تحریم‌های یکجانبه امریکا علیه ایران به طور غیرمستقیم لطمه‌ای است به حق تعیین سرنوشت و خودمختاری ملت‌ها که مورد تأکید قطعنامه‌های مختلف و اعلامیه‌های گوناگون نیز قرار گرفته است. (طباطبایی، ۱۳۷۹)

- اصل مسئولیت فردی در مجازات: بر مبنای اصل مسئولیت فردی در حقوق؛ اقدامات قهری در قالب تحریمهای اقتصادی جامع علیه یک کشور، بیشتر شبیه به تنبیه دسته جمعی می‌باشد که با اصل اخلاقی مسئولیت فردی نامتناسب است. یعنی تنبیه آنهایی که مسئول تصمیمات سیاسی مشخصی نیستند و وارد ساختن خسارتهای عمدی به مردم بی‌گناه فی نفسه یک عمل غیراخلاقی است که با هیچ ساختار منفعت گرایی توجیه نمی‌شود.

۳- از منظر حقوق داخلی

وضعیت حقوقی تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوقی چگونه است؟ ممکن است پاسخ این پرسش در وهله اول امر بدیهی به نظر آید؛ اما با عنایت به اینکه تأثیر تحریم اقتصادی بر روابط خصوصی بین اتباع کشور تحریم‌کننده و کشور تحریم‌شونده مؤثر است؛ مثلاً قراردادهای بین آنان را ممکن است متأثر نماید؛ طرح پرسش مذکور، شایسته و لازم است. درواقع باید بررسی نمود که در صورت وضع و اجرای تحریم اقتصادی (تحریم بین‌المللی، چند جانبه یا یکجانبه) وضعیت حقوقی قواعد راجع به تحریم و مسئولیت‌های ناشی از آن از منظر حقوق داخلی کشور تحریم‌کننده و کشور تحریم‌شونده از چه قرار است.

الف - حقوق داخلی کشور تحریم‌کننده: وقتی کشوری قانون تحریم را وضع می‌نماید کاملاً منطقی است که نسبت به به لازم الاجراء بودن آن در محدوده موضوع تحریم نسبت به اتباع خود یا حتی بعض اتباع دیگر دولت‌ها، قاعده‌الزام آور وضع نماید. بنابراین واضح است که از منظر حقوق داخلی کشور تحریم‌کننده، قواعد و قوانین راجع به تحریم، مشروع و قانونی تلقی

شود؛ مثلاً در نیمة دهه ۱۹۹۰، ایران بیش از ۵۰ پروژه نفتی و گاز به ارزش ۲۵ میلیارد دلار را به مزایده گذاشتند. در آن زمان به دلیل وضع تحریم توسط کشور آمریکا علیه ایران، شرکت‌های آمریکایی از سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها امتناع نموده اند. (قاسمی، ۱۳۸۷) این امر ناشی از الزام آور بودن قانون تحریم در حقوق داخلی کشور تحریم کننده است.

با وجود این، در وصف الزام آور بودن قاعده راجع به تحریم نبایستی مبالغه نمود؛ زیرا می‌دانیم که بسیاری از کشور‌ها در حقوق داخلی خود نفی اقدامات ناقص حقوق بشر یا برخلاف حقوق بین الملل بشر دوستانه را به عنوان ارزش‌ها و قواعد حاکم بر حقوق داخلی خود پذیرفته اند و اگر وضع و اجرای تحریم اقتصادی منافات با این حقوق و معارض با قواعد یاد شده باشد - خصوصاً اگر تحریم ناشی از تصمیمات قوه مجریه آن کشور بوده باشد - امکان شکایت و بی‌اثر سازی تحریم یا حتی مطالبه خساره‌ای کشور تحریم کننده دور از ذهن نیست.

ب - حقوق داخلی کشور تحریم شونده:

در ابتدا به نظر می‌رسد تحریم اقتصادی از منظر حقوق داخلی کشور تحریم شونده امری برخلاف قانون تلقی می‌شود و طبعاً الرم آور نبوده و نقض تحریم موجب هیچ گونه مسئولیتی نخواهد بود. علی‌رغم درستی این گزاره به طور کلی، بایستی درستی آن را در مورد هر یک از انواع تحریم‌ها بر حسب منشاء و موضوع تحریم مورد بررسی قرار داد.

۱- اعمال تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحده: اهداف قهری غیر نظامی که در فصل هفتم منشور ملل متحده آمده است مبنای مجاز بودن اعمال فشار بر دولت به منظور منزوی ساختن آن از مناسبات سیاسی و اقتصادی و محروم نمودن آن از برخی امتیازات در راستای تمکین از خواسته‌های شورای امنیت می‌باشد. (ممتأثر، ۱۳۸۷)

علی‌رغم اینکه کشورها با عضویت خود در سازمان ملل، بر مقررات منشور صحه می‌گذارند و می‌پذیرند که در همه حال به تصمیمات شورا ملتزم باشند؛ از منظر حقوق داخلی کشور هدف، مقررات تحریم شورای امنیت لازم الإتباع نیست. به عنوان نمونه در پی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت، به ایران هشدار داده شد که فعالیت‌های غنی سازی خود را تا ۳۱ آگوست ۲۰۰۶ متوقف نماید؛ در غیر این صورت به تحریم‌های اقتصادی محکوم می‌گردد. (قاسمی، ۱۳۸۷) اما دولت ایران بدون توجه به قطعنامه مذکور به فعالیت غنی سازی خود ادامه داد تا اینکه در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۳۷ تصویب گردید که به موجب آن، اقدامات هسته‌ای ایران را مغایر با ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد معرفی نمود. در مرحله بعد، در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، قطعنامه ۱۷۴۷ به تصویب رسید. (زهانی، ۱۳۸۷) موضع ایران در برابر این تحریم‌ها، همواره غیر قانونی بودن اقدامات شورای امنیت و ذیحق بودن خود در غنی سازی اورانیوم و صلح‌آمیز بودن آن بوده است. (عزیزیزاد، نورانی، ۱۳۸۹) بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود مطابق حقوق داخلی کشور هدف، تمکین در برابر قانون تحریم شورای امنیت نه تنها اجباری نیست؛ بلکه اصولاً چنین قاعده‌ای برخلاف حق و عدالت تعبیر می‌شود.

۲- تحریم‌های چند جانبه کشورها: این تحریم‌ها که به صورت اتحادیه ای از سوی جمعی از کشورها وضع می‌شوند، این پرسش را در ذهن تداعی می‌نمایند که آیا در حقوق داخلی کشور تحریم شونده الزام آورند؟ پاسخ را با مثالی در این خصوص آغاز می‌نماییم.

وزرای امور خارجه بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، در راستای تشدید تحریمهای اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفتند تحریمهای اقتصادی بیشتری در بخش انرژی از جمله؛ تحریم واردات نفت خام از ایران در کشورهای عضو اتحادیه، در بخش مالی علیه بانک مرکزی ایران و هم چنین علیه اشخاص حقیقی و حقوقی وضع نمایند. (امین زاده و خدایپرست، ۱۳۹۱) هدف این تحریم‌ها اعمال فشار به تهران برای بازگشت به مذاکرات درباره برنامه غنی سازی اورانیوم ایران است.

جمهوری اسلامی ایران تا کنون بارها بر صلح آمیز بودن فعالیتهای هسته‌ای خود تأکید کرده و واکنش این کشور در قبال اقدامات اتحادیه اروپایی این است که این تحریم‌ها، نمی‌تواند مانع از تحقق اراده ملت ایران در دستیابی به دانش هسته‌ای و کاربرد آن در زمینه‌های صلح‌آمیز شود. ناگفته پیداست که تحریم‌های چندجانبه‌ای که از سوی گروهی از کشورها اعمال می‌شود در حقوق داخلی کشور تحریم شونده لازم الإتباع نمی‌باشد.

۳- تحریم یکجانبه یک کشور علیه کشور دیگر: وقتی تحریم‌های وضع شده توسط مراجع فراملی و بین‌المللی و نیز چند جانبه‌از منظر حقوق داخلی کشور تحریم شونده الزام آور نباشد؛ به طریق اولی تحریم‌های یک جانبه یک کشور علیه کشور تحریم شونده الزام آور نخواهد بود. علاوه بر آن، حقوق داخلی کشور تحریم شونده، الزامات قانون تحریم را به موجب اصل حاکمیت دولتها بر قلمرو سرزمینی نمی‌پذیرد. نمونه بارز این وضعیت را می‌توان از تحریم داماتو - که به قانون داماتو معروف شد - مشاهده نمود. این قانون در ۵ آگوست ۱۹۹۶، در راستای اجرای سیاست دو جانبه به عنوان یک تحریم ثانویه (SECONDARY BOYCOTT) از سوی آمریکا علیه ایران و لبیی تصویب شد و در ۵ آگوست ۲۰۰۵ نیز تمدید شد. (عیدی نژاد، ۱۳۷۵ و قاسمی، ۱۳۸۷) هدف این قانون که به قانون تکمیلی^۱ نیز معروف است تضعیف بخش انرژی ایران، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در این بخش و تضعیف استراتژیکی ایران بود. (شهابی، ۱۳۷۶ و توحیدی، ۱۳۸۱) اما دولت ایران (کشور هدف یا تحریم شونده) بدون توجه به قانون تحریم، اقدام به انعقاد قرارداد با شرکت فرانسوی توtal و همچنین کنسرسیوم فرانسوی، روسی و مالزیایی به منظور سرمایه‌گذاری در حوزه پارس جنوبی نمود. (شهابی، ۱۳۷۶، نوازنی، ۱۳۸۴ و توحیدی، ۱۳۸۱) زیرا بر اساس حقوق داخلی کشور ایران، تمکین به مقررات قانون داماتو الزام آور نبود و چنین تحریم‌هایی از نظر حقوق داخلی ایران، به عنوان کشور تحریم شونده، ارزش حقوقی نداشت.

پ - حقوق داخلی کشور های ثالث

غیر از کشور تحریم کننده و کشور تحریم شونده، باید دید که تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق داخلی کشورهای ثالث (یعنی کشوری که نه تحریم کننده است و نه تحریم شونده) چه وضعیتی خواهد داشت. پاسخ به این پرسش در سه فرض آورده می‌شود.

فرض اول: در صورتی که تحریم به طور یکجانبه از سوی کشوری علیه کشور دیگر باشد؛ در این صورت به نظر نمی‌رسد برای کشور ثالث الزام آور باشد. در این خصوص دوباره مثال قانون داماتو را مطرح می‌کنیم. این قانون دولتها دیگر را ملزم می‌نماید تا از سرمایه‌گذاری در صنعت گاز و نفت ایران بپرهیزند در غیر این صورت، با تحریم‌های آمریکا مواجه خواهند شد. در حقیقت این قانون اشخاص خارج از قلمرو قضایی آمریکا را ملزم به مطابقت رفتار خود با قانون مجبور می‌نماید. (بهروزی فر، ۱۳۸۳) این در حالی است که این اشخاص خارج از قلمرو سرزمینی دولت آمریکا فعالیت می‌کنند وتابع قوانین ملی خودشان می‌باشند. (مافری، ۱۳۸۵)

قانون داماتو هم اصل پذیرفته شده حقوق بین‌المللی حاکمیت دولتها بر قلمرو سرزمینی شان نقض می‌کند و هم با قاعده بین‌المللی هیچ دولتی نمی‌تواند قانون خود را نسبت به خارجیانی که خارج از قلمرو اختیارات قانونی آن اعمال نماید، مغایر است. (همان)

بر همین اساس شرکت توtal فرانسه و همچنین کنسرسیوم فرانسوی، روسی و مالزیایی بدون توجه به قانون مجبور اقدام به سرمایه‌گذاری در حوزه پارس جنوبی نمودند. این امر حاکی از آن است که وضع تحریم یکجانبه یک کشور علیه کشور دیگر در حقوق داخلی کشور ثالث الزام آور نخواهد بود.

^۱ - Sanction act

فرض دوم : در صورتی که تحریم وضع شده ناشی از تصمیمات مجامع بین المللی باشد - که طبق حقوق بین الملل تصمیمات آنها جتبه لازم الاجراء است - در این صورت ظاهراً از منظر حقوق داخلی کشور ثالث هم بایستی آن را لازم الاجراء محسوب داشت. زیرا فرض بر الزام آور بودن تصمیم مذکور است. با این وجود، در صورتی که کشور ثالث مورد نظر، بر اساس رفتار بین المللی خود، تصمیم بر تحریم اقتصادی را غیر موجه بداند و بر حسب رفتار خود نشان دهد که خود را ملتزم به آن تصمیم نمی داند؛ نمی توان گفت از منظر حقوق داخلی آن کشور تحریم اقتصادی مذکور الزام آور است.

فرض سوم: اگر مرجع تصویب تحریم، اقدامات چند جانبه باشد؛ در اینصورت اگر کشور ثالث مورد نظر جزء مجموعه مذکور نباشد بی تردید تحریم اقتصادی مذکور از منظر حقوق داخلی کشور ثالث یاد شده الزام آور نخواهد بود. اما اگر کشور ثالث مورد نظر، عضوی از مجموعه تحریم کننده باشد ولی به تصمیم مذکور رأی منفی داده باشد این پرسش مطرح می شود که آیا از منظر حقوق داخلی کشور (به اعتباری) ثالث یاد شده تحریم مذکور لازم الاجراء است یا خیر.

از سویی می توان گفت که چون کشور ثالث مذکور به هر حال عضوی از مجموعه تحریم کننده بوده است بنابراین تصمیم مذکور از منظر حقوق داخلی این کشور هم لازم الاجراء است. اما از سویی هم می توان گفت که رأی منفی کشور عضو به تحریم اقتصادی نشان دهنده مخالفت آن کشور با تحریم بوده و بنابراین از منظر حقوق داخلی، آن تحریم لازم الاجراء نخواهد بود.

البته می توان به نظریه‌ی سومی هم معتقد بود و آن اینکه اگر بر حسب اساسنامه سازمان یا مجموعه تحریم کننده، تصمیمات مذکور در هر حال برای اعضاء الزام آور باشد - حتی اگر رأی آنها منفی بوده باشد - در این صورت لازم الإتباع بودن چنین تصمیمی به تحریم، از منظر حقوق داخلی کشور ثالث تقویت می شود. البته در این صورت هم چنین برداشتی منوط به عدم فهم مخالفت صریح سیاسی کشور مذکور با تصمیم متّخذه خواهد بود.

البته اگر کشوری به تحریمی رأی مثبت داده باشد یا رفتار سیاسی موافق با تحریم نشان داده باشد؛ طبیعی است که از محل بحث خارج بوده و ثالث تلقی نمی شود.

وضعیت قرارداد‌های سابق بر تحریم :

حسب معمول، قبل از وضع تحریم، بین اشخاص حقوقی خصوصی کشور تحریک کننده وکشور تحریم شونده و نیز کشور های ثالث روابط حقوقی برقرار است. ممکن است قبل از تحریم، قرارداد های بین آنان منعقد شده باشد که آثار آن تا زمان تحریم و بعد از آن ادامه داشته باشد. حتی ممکن است چنین قرارداد های بین اشخاص حقوقی حقوق عمومی کشور های یاد شده و حتی دولت های یاد شده قبل از منعقد شده باشد. پرسشی که به ذهن متأبدار می شود آن است که اثر وضع تحریم بر روابط قراردادی بین اشخاص مذکور از چه قرار است؟

می دانیم که یر اساس اصل پذیرفته شده، اثر قانون نسبت به آینده است. البته چنانچه نص "قانون تحریم، به تسری مقررات نسبت به قراردادهای ماقبل از تصویب قانون تصریح شده باشد؛ در این صورت این قانون نسبت به گذشته مؤثر خواهد بود." (کاتوزیان، ۱۳۸۷) اما در زمینه قرارداد های مواجه با تحریم وضع از چه قرار است؟

در پاسخ باید گفت به نظر می رسد اولاً پاسخ به این پرسش تا حد زیادی تابع نتایج مربوط به مساله الزام آور بودن بودن قوانین تحریم است. در نتیجه بسته به اینکه دعوا در کدام مرحله قضائی یا داوری طرح شده باشد؛ ممکن است متفاوت باشد. ولی به طور کلی به نظر نمی رسد که بتوان قواعد مربوط به تحریم را عطف به مسابقه نمود؛ زیرا مبنای توجیه عطف به مسابقه شدن برخی قوانین (از جمله مقررات شکلی و...) در خصوص تحریم مصدق ندارد. علاوه بر این شرط عطف به مسابقه شدن قوانین، عدم تعارض و تزاحم آن با حقوق مکتسبه اشخاص است؛ در حالی که در مورد قرارداد ها در واقع در تمام فروض متعهد له قرارداد، حق مکتسبي ناشی از قرار داد را داراست که هیچ قانونی نمی تواند این حقوق مکتسب را نقض نماید. مانند لغو قرارداد

شرکت نفتی کونوکو آمریکایی با ایران توسط آمریکا^۱. (شهابی، ۱۳۷۶ و توحیدی ۱۳۸۱) در واقع با اینکه قرارداد نفتی شرکت کونوکو یک سال پیشتر از قانون داماتو منعقد گردید اما قانونگذار آمریکایی اثر تحریم وضع شده را به قرارداد گذشته نیز عطف داده است.

برخلاف آنچه ممکن است ابتدائاً به ذهن متبادر شود از منظر حقوقی، تحریم عامل قوهٔ قاهره و یا عامل خارجی در عدم ایفاء تعهدات قراردادی محسوب نمی‌شود و در صورت عدم اجرای قرارداد، حتی به استناد تحریم، مسئولیت جبران خسارت بر متعهد قراردادی تحمل خواهد شد.

البته اگر در خود قرارداد شرطی مبنی بر امکان استناد به قوهٔ قاهره در صورت وضع تحریم وجود داشته باشد؛ وضعیت متفاوت است. در حقیقت، به استناد شرط ضمن العقد، متعهد قراردادی می‌تواند عدم انجام تعهد را توجیه نماید.

قاعده پیش گفته، در صورتی است که به دعوی در مرجع بین المللی یا مرجع داخلی کشور تحریم شونده رسیدگی شود. در غیر این صورت، چنانچه به این دعوی در مراجع داخلی کشور تحریم کننده رسیدگی شود؛ بدیهی است که چون تحریم لازم الإتباع تلقی خواهد شد؛ عدم انجام تعهد، قوهٔ قاهره تلقی و موجب عدم مسئولیت متعهد قراردادی خواهد بود.

^۱- این شرکت آمریکایی در ۵ مارس ۱۹۹۵ یک قرارداد نفتی با ایران منعقد نمود که به دلیل وضع قانون تحریم اقتصادی علیه ایران (داماتو) در ۵ آگوست ۱۹۹۶، قرارداد مذکور توسط دولت آمریکا لغو گردید.

نتیجه گیری

مشروعیت اعمال تحریم اقتصادی مستند به ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحده، مطلق نیست بلکه باید در اعمال تحریم و حتی ادامه آن، اصول انسانی بودن، تناسب و ضرورت تحریم وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت مورد حمایت حقوق و قوانین بین الملل قرار نمی گیرد. در حقوق داخلی کشور تحریم شونده قانون تحریم وضع شده چه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحده و چه از سوی کشورها خواه یک جانبه یا چند جانبه و فراگیر باشد؛ الزام آور نمی باشد. تحریم نمی تواند مانند قوه قاهره (فورس ماژور) خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را از متعهد رفع نماید. بنابراین در صورتی که پیش از وضع تحریم، قراردادی میان اتباع کشور تحریم کننده و کشور هدف، منعقد شده باشد و قرار داد مذکور توسط دولت تحریم کننده لغو گردد؛ به دلیل تزاحم با حقوق مکتبه متعهدله، باید وی را در دعوی خسارت، ذیحق دانست.

منابع و مأخذ

- ۱- امین زاده،الهام، خداپرست،ناصر(۱۳۹۱)،نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل، مجله ی دیدگاه های حقوق قضایی
- ۲- بروکشلی،فریدون(۱۳۷۵)، تحریم های بین المللی آمریکا و کشورهای جهان سوم، فصلنامه راهبرد
- ۳- بهروزی فر، مرتضی(۱۳۸۳)، اثر تحریم های یک جانبه امریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی
- ۴- توحیدی،ارسطو(۱۳۸۱)، تحلیلی بر تحریم های اقتصادی علیه ایران، مطالعات دفاعی استراتژیک
- ۵- زهرانی، مصطفی(۱۳۸۷)، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت، بررسی مسائل اقتصاد انرژی
- ۶- سیمبر، رضا(۱۳۸۹)، سیاست خارجی آمریکا و تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، مجله ی دانش سیاسی
- ۷- شهابی، سهراب (۱۳۷۶)، اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم، مجله ی سیاست خارجی
- ۸- طباطبایی، سید احمد(۱۳۷۹)، تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشردوستانه، مجله مجتمع آموزش عالی قم
- ۹- ظریف، محمد جواد، میرزایی، سعید(۱۳۷۶)، مجله ی سیاست خارجی
- ۱۰- عزیزنشاد، صمد، نورانی، محمد رضا(۱۳۸۹)، بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تأکید بر تجارت خارجی، مجلس و راهبرد
- ۱۱- عیدی نژاد، عبدالمحمد(۱۳۷۵)، سمینار بین المللی تحریم اقتصادی و نظارت بر صادرات، اقتصاد انرژی
- ۱۲- فخر سیری، منصور(۱۳۸۷)، محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، مجله ی حقوقی بین الملل
- ۱۳- قاسمی، مصطفی(۱۳۸۷)، تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن، مجله ی مربیان
- ۱۴- کاتوزیان،امیرناصر(۱۳۸۷)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ویراش سوم، تهران، مجد
- ۱۵- کریم زاده، عباس(۱۳۸۶)، آثار تحریم اقتصادی و راهکار مقابله با آن، اقتصاد ایران
- ۱۶- مافی، همایون(۱۳۸۵)، تأملی بر تحریم اقتصادی امریکا علیه ایران از منظر حقوق بین الملل، پژوهشنامه ی علوم سیاسی
- ۱۷- ممتاز، جمشید(۱۳۸۷)انطباق تحریم های شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه، مجله ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- ۱۸- نوازنی، بهرام(۱۳۸۴)، کاربرد ابزار تحریم اقتصادی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، مجله ی سیاست خارجی
- ۱۹- یاوری، کاظم، محسنی، رضا(۱۳۸۹)آثار تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجله ی مجلس و پژوهش

قوانين و عهدينامه ها:

۱- منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)

۱- اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸)

۲- ميثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)

۳- ميثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد (۱۹۶۶)